

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## بررسی مردسالاری در سه رمان شوهر آهو خانم، سال بلوا و بامداد خمار

### زهرا پاکدامن

۱- مربی، گروه ادبیات فارسی، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران

Email: mz.pakdaman@gmail.com

### چکیده

مردسالاری باوری کهن در بین ایرانیان است که میگوید مردان فراتر و زنان فروتر هستند. در واقع در ادبیات فارسی و به خصوص در این سه رمان مورد بحث، زنان در تقابل با مردان معنا می‌یابند. گویی خود زنان نیز بر این باور هستند که مردان محق و صاحب اختیار آنها هستند. اگر مردسالاری دو ستون داشته باشد قطعا یکی از آن دو ستون زنها هستند که در برابر ظلم و خشونت‌های پنهان و آشکار مردان سر فرود می‌آورند. نمونه بارز این مظلومیت، آهو در رمان شوهر آهو خانم است و محبوبه و نوشا هم در رمان‌های مورد بررسی از این دایره خارج نیستند. پرسشی که در اینجا مطرح میشود این است که آیا زنان در این سه رمان نسبت به مردسالاری و عدم استقلال خود واکنشی نشان میدهند یا خیر؟ ما در این سه رمان با بررسی نظریه مردسالاری و یافتن نمونه‌هایی از آن قصد داریم تا نقبی بر ذهن مخاطب بزنیم و او را با انواع مستقیم و غیر مستقیم خشونت‌های مردان علیه زنان آشنا کنیم. همچنین، واکنش زنان رمان را مورد بررسی قرار دهیم.

کلمات کلیدی: مردسالاری، زن، خشونت، سال بلوا، بامداد خمار، شوهر آهو خانم

### ۱. مقدمه

در ادبیات کهن فارسی، زنان تصاویری گوناگون دارند؛ "زن خردمند و با تدبیر، زنان وسوسه کننده و برانگیزاننده و زنانی که عشق و آرامش را در مردان سبب می‌شوند و گاه با عظمت سرزمینی را اداره می‌کنند" (محسنی، ۱۳۹۲). "تمام ساختارهای اجتماعی و روانی که زن را فروتر و مرد را برتر می‌داند مرد سالاری نام گرفته است" (رایبیز، ۱۳۸۹: ۳۶). مردسالاری در واقع باور و ایدئولوژی کهنی است که نمود داستانی آن را در رمان‌های دوره قاجار و اوایل دوره رضا شاه می‌توان دید. گرچه با روی کار آمدن مدارس و کشف حجاب این باور روز به روز کمرنگ تر شد؛ اما با توجه به اینکه در همین ادبیات هم نویسندگان مرد با تکیه بر جنسیت و درک روحیات خود سعی بر قضاوت علیه زنان می‌کنند و جا به جای داستان‌ها میتوان رد پای نویسندگان مرد و حتی زنان نوپای نویسنده را جست. گویا این باور و اعتقاد ذاتی آنهاست. "در طول حکومت رضاشاه تصویر زن در داستان‌های این دوره یا با پیام مرکزی داستان یکی می‌شود یا سمبلی از آن می‌شود. از این دوره با تصویرهایی از زنان به عنوان قربانیان جامعه روبه رو می‌شویم که می‌توان آنها را تحت عنوان رمان مرد پسند قرار داد." (کوچکی، ۱۳۸۹)

دیدگاه مرد سالارانه زن را در تقابل با مرد می‌شناسد و میگوید: "زن در ادبیاتی که مردان پدید آورده‌اند در تقابل با مرد معنا میابد و در تقابل با هدف‌های مرد است که اهمیت پیدا می‌کند و این تصویرهای قالبی از دو مقوله است زن یا شیطان است یا فرشته یا حوا یا

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مریم و شاهکارهای ادبی چنین تصاویری از زن ارایه میدهد" (مقدادی ۱۳۷۸: ۲۷) در شوهر آهو خانم صدای سلطه جویانه مردان گاه از گوی قهرمان مرد شنیده می‌شود؛ چرا که نویسنده نیز با مردان داستان همراه است " زنان در نیت خیر هیچ گاه با مردان خود هم رای و همراه نبوده‌اند" (افغانی، ۱۳۸۶: ۱۲۲) در این سه رمان " شوهر اهو خانم از علی محمد افغانی و سال بلوای عباس معروفی و بامداد خمار پروین حاج کاظمی " ما برانیم که باور مرد سالاری را مورد بررسی قرار دهیم. عنصری که از سالیان دراز در این کشور پررنگ و پابرجا باقی مانده است و زنان نیز در شدت گرفتن آن نقش بسزایی داشته‌اند درست است که در این سه رمان زنان پایه ریز اتفاقات و وقایع تلخ و شیرین هستند؛ اما مردان همیشه در پشت پرده و گاه در جلوی صحنه تصمیم نهایی را می‌گرفته‌اند. هدف ما از بررسی این مشخصه در این سه کتاب مقایسه دیدگاه مرد سالاری در آنها و بررسی واکنش زنان در برابر آن است. چنانچه میدانیم "بالیدن یک جامعه در گروه بالیدن زن است" (محسنی، ۱۳۹۲). ما زمانی میتوانیم نسلی آگاه تربیت کنیم که زنانی قوی و مستقل داشته باشیم.

ما در این مقاله به بررسی واکنش زنان در سه رمان شوهر آهو خانم، سال بلوا و بامداد خمار به مقوله مردسالاری می‌پردازیم. همچنین بررسی خواهیم کرد که در کدام کتاب باور مردسالاری قویتر پرداخته شده است. مقاله پیش رو سعی دارد با بررسی موشکافانه متغیر مرد سالاری، راهی را برای هوشیاری زنان امروز باز کند.

در آثار پیشین هیچ کدام به طرز گسترده‌ای به نگرش و واکنش زنان به مقوله‌ی مردسالاری در این سه رمان نپرداخته‌اند. ما برای پژوهش و گردآوری مقاله پیش رو مقاله‌هایی را که در این خصوص نوشته شده است مورد بررسی قرار دادیم به صورت کلی برخی از این مقاله‌ها به موضوع مرد سالاری و یا خشونت در رمان‌های (شوهر آهو خانم و بامداد خمار) به صورت مجزا پرداخته‌اند.

حسین قربانپور و رقیه اشکبوس در "بررسی ویژگی‌های نوشتار زنانه در دو رمان بامداد خمار و چراغ‌ها را من خاموش میکنم" به شباهت‌های زبان نویسنده زن در این دو اثر پرداخته‌اند تا حدودی جنبه‌های مرد سالارانه را هم مد نظر قرار داده‌اند. امیر حسین صادقی در مقاله "پدرسالاری در بامداد خمار بر اساس نظریه التوسر" به بررسی کنش و واکنش‌های پدر محبوبه پرداخته است. خانم کوچکی به "بررسی سیمای زن در رمان شوهر آهو خانم" پرداخته است.

کاظم کهدویی و همکار نویسنده‌اش "شخصیت پردازی و مقایسه آنرا در دو اثر شوهر اهو خانم و سووشون" مورد بررسی قرار داده‌اند. ناصر عباسزاده "جایگاه زن" و ملیحه قاسمی "تیپ شخصیت زن" را مورد بررسی و پژوهش قرار داده‌اند. جهانگیر صفری و و سید کاظم موسوی به "مدرنیته و ساختار سنتی خانواده ایرانی در رمان شوهر اهو خانم" پرداخته‌اند و مدرنیته بودن را سبب ضعیف شدن باور مردسالاری در خانواده‌های ایرانی می‌دانند. در بین این مقالات مقاله‌ای از شبنم نیکزاد با عنوان "تحلیل مظلومیت زن در رمان شوهر اهو خانم" تا حدودی به مقاله ما نزدیک است. ما در این مقاله سعی کردیم به بررسی مردسالاری و نمودهای پنهان و آشکار آن و همچنین واکنش زنان رمان به این مقوله بپردازیم.

## ۲. دیدگاه مردسالارانه در این سه رمان

"بامداد خمار ایدئولوژی مردسالاری را نهادینه شده در ذهن اشخاص نشان میدهد" (قربانپور و اشکبوس، ۱۳۹۵). "داستان گویی در عمق خود میخواهد بگوید که نتیجه طغیان در برابر جامعه مرد سالاری چیزی جز شکست و سرخوردگی نخواهد بود" (قربانپور و اشکبوس، ۱۳۹۵). "بررسی مرحله به مرحله طرح داستان در رمان بامداد خمار نشان میدهد که گفتمان غالب در این رمان مبتنی بر نگرشی مادی گرایانه است." (صادقی، ۱۳۹۲). این نگرش به مقوله مرد سالاری ربط پیدا میکند؛ چون مردان نان آور خانواده بوده‌اند؛ مثلا در رمان شوهر آهو خانم هما میگوید: "اگر زن قادر باشد مخارج خود را تامین کند مجبور نیست زیر بار خواری مرد برود" (

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

افغانی، (۱۶۵:۱۳۸۶). "در نظام خانوادگی سنتی زن شان و جایگاهی ندارد و وجود او در کنار مرد است که ارزش و نمود پیدا می‌کند" (نیکزاد، ۱۳۹۸).

## ۲.۱ خشونت علیه زنان

"خشونت زمانی رخ میدهد که فرد دارای اقتدار بدنی و روانی و اجتماعی و اقتصادی است. از قدرت خود خلاف تمایل دیگری برای وادار کردن شخصی به رفتارهای دلخواه خود استفاده می‌کند" (واصفی، ۱۳۸۸). خشونت تنها جسمی نیست بلکه انواع خشونت پنهان و آشکار وجود دارد به عنوان مثال طرد شدگی از جانب همسر، مشکل نازایی و پیامدها و سرکوفت‌های پس از آن، تجاوز و ترک همسر و چند همسری، تحقیر و توهین، دشنام و تهمت همه نمونه‌هایی از خشونت علیه زنان است.

### ۲.۱.۱ خشونت فیزیکی

"از لحاظ آماری هر فرد در هر سنی و یا از هر جنسی به مراتب بیشتر احتمال دارد که در خانه در معرض حمله فیزیکی واقع شود تا در خیابان به هنگام شب" (گیدنز ۱۳۷۶:۴۳۸). در این جمله میتوان این باور خشونت علیه زن را از درون نویسنده (علی محمد افغانی) جست که میگوید "تاریانه شوهر هر چه دردناکتر باشد بهتر است از تمجید بیگانه" (افغانی، ۱۳۸۶:۱۵۳). "سید میران چنان خون جلوی چشمهایش را گرفته بود که به کلی حال خود را نمی‌فهمید و نمیدانست چه میکند روی سر زن که رسید چوب دست سنگین را به هوا برد و مثل آن که بر پشم بکوبد بی محابا بر فرقهش فرو آورد آهو ناله دردناکی کرد و در غلتید" (افغانی، ۱۳۸۸:۳۱۸).

"ضربه ای که به صورتم زد چنان شدید بود که اول چیزی نفهمیدم تلو تلو خوردم و دست به دیوار گرفتم انتظار این یکی را دیگر اصلا نداشتم" (حاج سیدجواد، ۱۳۸۹:۱۷۵). "سیلی اش به شدت برق بر صورتم خورد و به دنبال آن ضربات مشت و لگد بر سرم بارید دیگر انسان نبود واقعا به حیوان درنده‌ای تبدیل شده بود مثل خوک، مثل گریز، اصلا جانور غریبی بود که بیش از وحشت، نفرت تولید میکرد" (همان، ۳۳۷).

دستهام را بلند کردم که اولین ضربه‌های تفنگ موزر را دفع کنم. معصوم لوله موزر را در دست داشت و قنداق سنگینش را به کله‌ام میکوفت" (معروفی، ۹، ۱۳۸۸). خشونت دکتر معصوم علیه نوشا وقتی شدت می‌گیرد که دکتر معصوم بیماری جذام را به او نسبت می‌دهد و بقیه مردها هم با دیدن او و با توجه به اینکه متوجه می‌شوند که این زخمها از شکنجه و ضربه است و نه بیماری، باز دم نمی‌زنند. دکتر معصوم نوشا را بدون درمان در گوشه خانه در حالیکه با قنداق تفنگ او را له کرده رها می‌کند و در انتظار مرگش لحظه شماری می‌کند.

### ۲.۱.۲ خشونت کلامی

در مبحث خشونت علیه زنان می‌توان به مساله نازایی و حتی پسرزایی اشاره کرد که همین موضوع در داستان سال بلوا دستمایه سرکوفت‌ها و رفتارهای تحقیر آمیز دکتر معصوم نسبت به نوشا می‌شود در حالیکه در جای دیگر داستان متوجه می‌شویم که این مشکل

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

از جانب زن نبوده است. "نوشا به معصوم میگوید بس کن معصوم حوصله ات را ندارم... حب فولاد میخوری، معجون افلاطون میخوری تصنیف گوش میکنی، بی فایده! میخواهم بگویم خانه نشینی بی بی از بی چادری است" (معروفی، ۶۱، ۱۳۸۸). این عدم فرزندآوری در واقع دستمایه‌ای است که دکتر معصوم خود را از عیب و نقص میرا می‌کند و دوباره این زن است که انگ نازایی بر پیشانی‌اش می‌خورد. در رمان بامداد خمار، مادر محبوبه بعد از به دنیا آمدن سه دختر آرزوی پسر دار شدن دارد و پدر محبوبه در خفا زنی را صیغه می‌کند تا برایش پسر بیاورد. در گوشه‌ای از رمان بامداد خمار "رحیم" وقتی متوجه میشود که محبوبه فرزند دومشان را بر خلاف میل او و مادرش سقط کرده است؛ شروع میکند به فحاشی: "ناگهان رگ گردن رحیم برجسته شد حالت چشمانش برگشت دست خود را بالا برد تا به صورتم بکوبد: ای عفریته هفت خط! ای جادوگر حرامزاده!" (حاج سید جوادی، ۱۳۸۴: ۱۹۱)

"دوباره به طور ناگهانی از جا پرید و چنان با تمام قدرت بر دهانم کوبید که دلم از حال رفت فریاد زد مگر نگفتم: خفه شو! خیال میکنی خودت خیلی خوشگل هستی؟ خودت را توی آینه دیده‌ای؟ عین تب لازمیها هستی، آینه دق هستی" (همان، ۲۲۰). در سال بلوا، دکتر معصوم به نوشا فحش می‌دهد و می‌گوید: "هرزه پدرسگ" (معروفی، ۱۳۸۸: ۶۳).

نمونه دیگر خشونت کلامی تهدید به طلاق است که سید میران در رمان شوهر آهو خانم، بارها آهو را تهدید به طلاق می‌کند و حتی او را از خانه بیرون می‌اندازد. در سال بلوا با ماجرای مردی مواجه می‌شویم که همسرش را تنها به دلیل اینکه او زنی زیبا است به او تهمت می‌زند و می‌کشد. دکتر معصوم به نوشا گفت: "بوی خاک میدهی بوی خیانت میدهی بمیر بمیر" (همان، ۸۴).

و باز در کمال ناباوری متوجه می‌شویم که "سرهنگ نیلوفری" هم که از طبقه مرفه جامعه آن دوران بوده است خواهرش را به دلیل حرف مردم و تهمتهای مردان دیگر به ضرب گلوله می‌کشد و مادر نوشا که خود یک زن است در تعریفش از این واقعه سرهنگ را صاحب حق می‌داند "بعدها مادرم گفت که پدر در سالهای گذشته خواهرش را به ضرب یک گلوله کشته است... حرفهایی در میان بود که پدرت ناچار شد او را سر به نیست کند... اسمش افسر بود و خیلی خوشگل بود چشمهایش مثل چشمهای تو درشت و قهوه‌ای بود... عاشق یک تارزن دوره گرد شده بود" (همان، ۴۴).

### ۳.۱.۲ خشونت رفتاری

در رمان بامداد خمار هنگامی که رحیم بعد از سه ماه که از خانه رفته است و دختر خاله‌اش راصیغه کرده به خانه برمی‌گردد و در جواب سوال "محبوبه" که به او می‌گوید کجا بودی سکوت می‌کند و این بار شش ماه به خانه برنمی‌گردد. "همان طور که سرم پایین بود و گلدوزی میکردم پرسیدم تا حالا کجا بودی؟! هر کجا که بودی حال هم بروهمان جا، دوباره بند کفشش را محکم کرد و رفت این دفعه شش ماه نیامد" (حاج سید جوادی، ۱۳۸۴: ۱۷۸).

مساله زناشویی و طرد شدگی آهو از جانب سید میران؛ در جایی از داستان آمده است که سید میران به گونه‌ای از مقابل اتاق آهو و بچه‌ها می‌گذشت که گویا اصلا او وجود خارجی نداشته و ندارد و تلخ‌تر از آن این بود که سید میران در جایی اشاره میکند که حتی

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فرزندانش را چون آهو آنها را زاده است دوست ندارد؛ این همه خشم علیه یک زن بی‌پناه فاجعه‌ای بی‌انتهاست. یکی از بزرگترین خشونت‌ها علیه زنان خیانت و چند همسری بودن مردان است؛ اغلب زنان در این رمان‌ها خیانت مردان را به هر شیوه و شکلی تحمل می‌کنند؛ اما زیر بار جدایی نمی‌روند.

دو زنه بودن مردان در بامداد خمار با کمی عذاب وجدان از جانب برخی از آنها همراه است؛ مثلاً "منصور" وقتی با محبوبه عقد می‌کند سعی دارد در مقابل همسر اولش علاقه و عشقی نسبت به محبوبه از خود نشان ندهد و یا پدر محبوبه وقتی از ازدواج دومش حرفی به میان می‌آید احساس شرم میکند.

زنهای این سه رمان یاد گرفته‌اند در برابر این قبیل مشکلات بایستند و از حقوق خود بگذرند و به سایر زنان و دختران نشان دهند که آنها زن وفاداری بوده‌اند که با تمام بی‌عدالتی‌های شوهر باز پای خانه و خانواده مانده‌اند مانند آهو خانم گویا سوختن و ساختن از ارزشهای زنان محسوب می‌شده است.

نمونه‌ای از خیانت رحیم به محبوبه در بامداد خمار: "شاید خواب میدیدم صدای خنده کوتاه و ضعیف به گوشم رسید خنده یک زن و دیگر هیچ، احساس خفقان میکردم از حسد بود؟ نه از غیرت بود" (حاج سید جواد، ۱۳۸۴: ۲۵۹).

باید توجه داشت که همه شیوه‌های خشونت بر فرد قربانی تاثیر یکسانی به جا نمی‌گذارد به عنوان مثال؛ آهو در شوهر آهو خانم تا واسط داستان نقش قربانی را دارد؛ اما به ناگاه در آخر داستان وقتی همه راهها را رفته و همه درها را بسته می‌بیند بر نیروی زنانه خود تکیه می‌کند و می‌تواند شوهر و خانواده‌اش را حفظ کند. "گاه شدت خشونت بر قربانی بسیار زیاد است که در ابتدا ممکن است با تهدید آغاز و با ادامه درگیری به قتل منجر شود" (صادقی و مهدینزاد ۱۳۹۹: ۹۸). مانند نوشای سال بلوا.

در همین مبحث مرد سالاری، باید اضافه کنیم که مردان در چنین خانواده‌هایی در چشم دیگران بزرگ و دارای متانت و وقار خاصی هستند؛ مثلاً در همین کتاب سال بلوا نوشته شده است که: "یکی از زنها گفت خوش به حالت اگر شوهر من بود نمی‌گذاشتم از رختخواب بیرون بیاید... نازو گفت: پروانه خوبی گیت امده نوشا قدرش را بدان" (معروفی: ۳۰، ۱۳۸۸).

و یا در جای دیگر همین رمان حتی خود زن نیز به قدرت مرد و ذلت خویش اشاره میکند: "گاهی احساس می‌کردم دنیا بر اساس عقل و منطق مردانه می‌گردد که مردها شوهر زن‌ها بشوند و صورتشان را چروکیده کنند، اگر توانستند بچه به دام‌نشان بیندازند و اگر نتوانستند اشکشان را در بیاورند. زن موجودی است معلول و بی‌اراده که همه جرئت و شهامتش را می‌کشند تا بتوانند برتریشان را به اثبات برسانند. مسابقه مهمی بود و مرد باید برنده می‌شد" (همان، ۶۳).

و یا در جای دیگر از رمان شوهر آهو خانم سیدمیران می‌گوید: "زن من مثل یک بره مطیع و به همان اندازه سلیم النفس و سازگار است هر چه بگویم غیر از آن را قبول نخواهد کرد." (افغانی، ۱۳۸۶: ۱۹۳) هما می‌گوید: "شما مردها اگر بخواهید میتوانید مستقل از وجود زن زندگی کنید؛ اما ما زن‌ها نمی‌توانیم. زندگی ما مثل گل‌سنگ و طفیل است." (افغانی، ۱۳۸۶: ۴۲۱).

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در اغلب این نظریه‌ها دلیل اصلی خشونت وجود ساختارهای مرد سالارانه‌ای در نظر گرفته شده است که در جامعه تبلیغ میشود و بر مشروعیت این نابرابری تاکید می‌کند" (واصفی و ذوالفقاری ۱۳۸۸: ۸۰).

## ۳. ازدواج اجباری

در رمان شوهر آهو خانم هما را به اجبار به مرد بنایی شوهر می‌دهند. در رمان سال بلوا نوشا مجبور می‌شود به خاطر نام و موقعیت پدر از عشقش به کوزه‌گر بگذرد و با دکتر معصوم ازدواج کند. در رمان بامداد خمار محبوبه وقتی تصمیم می‌گیرد با رحیم ازدواج کند پدر او را طرد میکند. "پدر بی آنکه اسم دخترش را ببرد وی را به عنوان دختر صدا میکند و میگوید تا روزیکه زن این جوان هستی نه اسم مرا میبری نه قدم به این خانه میگذاری" (حاج سید جوادی، ۱۳۸۴: ۳۷۱).

مظلومیت زن و عدم استقلال در انتخاب همسر و عدم حمایت پدر در داستان نوشا (سال بلوا) و محبوبه (بامداد خمار) نمود ظاهری دارد. نوشا در واقع مجبور است برای حفظ ابروی پدر قید ازدواج با کوزه‌گر را بزند. محبوبه با فشار پدر و حکومت مرد سالاری بر خانواده مجبور میشود به خاطر همسرش خانه پدرش را ترک کند شاید اگر محبوبه و نوشا حمایت پدر و خانواده را در انتخاب خود داشتند هیچگاه در این منجلا ب گرفتار نمیشدند. از زاویه‌ای دیگر، مرد سالاری در رمان بامداد خمار میتواند راه نجات محبوبه از این ازدواج تلخ باشد گرچه پدر محبوبه با ازدواج او ناراضی بود؛ اما نمود دیگری از مرد سالاری را به نمایش گذاشت او دخترش را برای همیشه تا زمانی که در ازدواج رحیم بود از خانه بیرون کرد و اجازه نداد خانواده‌اش را ببیند.

## ۴. تکیه بر زیبایی ظاهری زنان

تکیه بر زیبایی زنان آنان را تبدیل به عروسک‌هایی میکند که برای رقابت بر سر جذب مردان به نمایش آنچه زیباست روی میاورند. در رمان بامداد خمار و یا شوهر آهو خانم و سال بلوا نویسنده در جاهای مختلف کتاب از زیبایی و جذابیت‌های جنسی زنان صحبت میکند.

"دختر جوان با آن چشم‌های میخی و موهای پرپشت مواج، بینی یونانی و لب‌های خوش ترکیب و پوست زیتونی زیبای او، دل مادر را بیشتر به درد می‌آورد" (حاج سید جوادی، ۱۳۸۴: ۳) در بامداد خمار نویسنده سعی دارد نگرش جامعه به زنان در دوران قاجار را نشان دهد بدین گونه که کمالات زنان را بیشتر در ظاهر آنها جست و جو میکند. "یکی از ملاک‌هایی که برای پسندیده بودن دختر در نظر دارند دندان‌های سفید و یک دست اوست" (همان، ۲۵). همین رقابت بر سر زیباتر دیده شدن از چشم مردان سبب شده از گذشته تا هنوز زنان با عمل‌های زیبایی بسیار و آرایش‌های نامتعارف سعی در برنده شدن داشته باشند.

حتی در رمان شوهر آهو خانم ما هما را میبینیم که با تکیه بر این مزیت خداداد خود را برنده میداند و آهو برای به دست آوردن دل میران سعی میکند از چهره و موهای هما الگوبرداری کند. هما در همین رمان تبدیل به عروسکی تهی مغز و زیبا میشود که موجب سرگرمی و تفریح و حال خوب سید میران است. و به گفته جمال میرصادقی "هر دو زن رمان شوهر آهو خانم مظلومند و هیچ یک آزادی و اختیاری از خود ندارند. هر دو مجبورند که با خوب و بد مردشان بسازند و مثل کنیزی از او اطاعت کنند و به خواست‌های او

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تن بدهند و دم نزنند اگر غیر از این عملی از آنها سر بزند زیر بار سلطه بی چون و چرای شوهر و قوانین مرد سالاری جامعه ایران له میشوند" (میرصادقی، ۱۴۰، ۱۳۸۱).

نمونه‌های دیگر مرد سالاری را در این سه رمان میتوان در نام گذاری فرزند و یا بدگویی و تهمت نسبت به زنی که بیوه است مشاهده کرد؛ به عنوان مثال در بامداد خمار رحیم و مادرش به ناخواست میل محبوبه نام پسرش را "الیاس" میگذارند در حالیکه این حق مسلم مادر است که پس از دردهای بسیاری که هنگام وضع حمل تحمل میکند در نام گذاری فرزند سهیم باشد. وجود افکار ناپسند و پوسیده در آن دوران که گاهی هنوز در جامعه به ظاهر مدرن ما نیز دیده میشود بدگویی در مورد زنان بیوه است، گویی هر زنی باید مردی داشته باشد و زن بدون مرد مایه فساد جامعه است و این دیدگاه نسبت به هما در شوهر آهو خانم او را مجبور میکند به دنبال تکیه گاهی هر چند نامناسب باشد.

## ۵. نتیجه گیری

هائطور که در متن مقاله آمد نگاه مردسالارانه در هر سه رمان با شدت و حدت دنبال میشود و گاهی این زنان هستند که بر این باور تمرکز کرده و خود را مطابق میل مردان تغییر میدهند از احساسات و درونیات خود به راحتی میگذرند چون بر این باورند که مردها محق و صاحب رای هستند. محبوبه در آخر داستان گویا از مرد سالاری استقبال میکند چون میگوید کاش عمو و پدر و پسرعمویش جلوی او را گرفته بودند کاش او را کتک زده بودند تا از رحیم دل بکند.

در حقیقت زنان برای دریافت محبت و عشق از جانب مردان به بسیاری از خواست‌های آنان تن میدهند و ناگزیر این وابستگی موجب اطاعت محض از مرد میشود و همین مساله مردسالاری را دوچندان تقویت میکند.

در شوهر آهو خانم، هما تنها راه فرار از خانه حسین خان مطرب را تکیه کردن به مردی دیگر میدانند که از نظر مادی بتواند او را تامین کند همانطور که پیشتر گفتیم مادیات و وابستگی زن به مرد از این مقوله نیز به مرد سالاری ختم میشود. آهو وقتی متوجه میشود سید میران زن گرفته نمیتواند در مقابل این مرد بایستد و حق خودش را از این همه زندگی بخواهد؛ بلکه با نشان دادن فداکاری و وفاداری به صورت غیر مستقیم میخواهد از خود زنی قوی بسازد. در همین رمان نویسنده با توجه به دیدگاه اسلامی نیز مردان را در ازدواج دوم محق میدانند؛ اما از آنها میخواهد که عدالت را بین دو همسر خویش رعایت کند چیزی که سید میران آنها را به شدت نادیده میگیرد. در هر سه رمان زنان قربانی جامعه مرد سالاری میشوند و هر یک به گونه ای مورد خشم و خیانت و بی‌توجهی و ضرب و شتم مردان قرار میگیرند. تنها وظیفه آنها ازدواج و فرزند آوری توصیف میشود. در واقع مردان در پشت پرده حتی بعد از مرگ هم برای ازدواج دختران و خواهرانشان تصمیم میگیرند.

در سال بلوا نوشا پس از مرگ پدر ازدواج میکند؛ اما چون دختر سرهنگ نیلوفری است نمیتواند با کوزه‌گر ازدواج کند چون کوزه‌گر هم سنگ پدرش نیست و یا این پدر محبوبه است که تصمیم میگیرد که محبوبه را در خانه بپذیرد یا خیر. با اینکه نگاه کلی به این سه اثر مرد سالارانه است؛ اما باید در نظر داشت که این زنان هستند که باعث وقوع اتفاقات و جریانات هر سه داستان میشوند.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

"گنجاندن نظریه‌های زن محور در کتب درسی و دانشگاهی اروپایی سبب شد تا در سده‌های اخیر زنان در شیوه‌های زندگی و اندیشه و قلم خود توجه به موقعیت زنان در جامعه را به فلسفه و اصول دانش تحمیل کنند" (پاملا بوت ۱۳۹۱: ۱۲). در نهایت بیداری و هوشیاری زنان و استقلال فکر و اندیشه آنها میتواند نسلی قوی و موفق را به جامعه تحویل دهد.

## منابع

۱. افغانی، علی محمد (۱۳۸۶). شوهر آهو خانم، تهران: دنیای دانش، چاپ دوم.
۲. باقری، نرگس (۱۳۸۷). زنان در داستان، تهران: مروارید
۳. پاملا بوت، کلروالاس (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
۴. حاج سید جواد، پروین، (۱۳۸۴)، بامداد خمار، چاپ سی و هشتم، تهران: نشر البرز.
۵. صادقی شهپر، رضا و الهه مهدینژاد، (۱۳۹۲)، "بررسی جلوه‌ها و انواع خشونت علیه زنان"، فصلنامه ادبیات و زبان فارسی، تهران
۶. عبداللهیان، حمید (۱۳۷۹). کارنامه نثر معاصر، تهران: نشرپایا، چاپ اول.
۷. قربانپور، حسین و رقیه اشکبوس، (۱۳۹۵) "بررسی ویژگی‌های نوشتار زنانه در دو رمان بامداد خمارو چراغ‌ها را من خاموش میکنم"، فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی سال چهارم شماره ۱۵ تابستان. ۷۱-۹۴
۸. کوچکی، زهرا (۱۳۸۸). "بررسی سیمای زن در رمان شوهر آهو خانم"، نشریه زیبایی‌شناسی ادبی، شماره ۶ زمستان، ۸۵-۱۱۰.
۹. کهدویی، محمد کاظم و مرضیه شیروانی (۱۳۸۸). "شخصیت پردازی قرمانان زن در رمان‌های شوهر آهو خانم و سووشون"، نامه پارسی، سال چهاردهم، شماره اول و دوم بهار و تابستان، ۷۱-۸۶.
۱۰. محسنی، فاطمه، (۱۳۹۲) "بررسی تطبیقی جایگاه زنان در سووشون و شوهر آهو خانم"، فصلنامه ادبیات داستانی، سال اول بهار. ۷۷-۹۵
۱۱. معروفی، عباس (۱۳۸۸). سال بلوا، تهران: ققنوس، چاپ نهم.
۱۲. مقدادی، بهرام (۱۳۷۸)، کیمیای سخن، تهران: هاشمی.
۱۳. میرصادقی، جمال (۱۳۸۲). داستان نویس‌های نام‌آور معاصر ایران، تهران: نشر اشاره.
۱۴. واصفی، صبا (۱۳۸۸). "بررسی خشونت علیه زن در آثار دولت ابادی"، نشریه پژوهش زنان، شماره ۱، بهار. ۶۷-۸۶